



حجة الاسلام سید محمد رضا علاء‌الدین  
حردی غنیه سنبل

### چکیده

هر نظام تعلیمی و تربیتی یک سلسله اهداف غایی، کلی و آموزشی دارد. در نظام تعلیم و تربیت قرآنی اهداف به صورت غایی، کلی و آموزشی ترسیم گردیده. هدف غایی در این نظام تعلیمی و تربیتی، دستیابی انسان به رشد و کمال معنوی و قرب الی انله است که به عنوان افق و دورنمای کلی تمامی برنامه‌های تعلیمی و تربیتی قرآن کریم به حساب می‌آید. برای نیل به هدف غایی یک سری اهداف کلی وجود دارد که توجه و پردازش به آنها راهکار دستیابی به هدف غایی می‌باشد و آن اهداف کلی عبارتند از:

رشد، کمال، پرورش قوه تعقل و استدلال، پرورش روح جمعی و احساس مسئولیت، ارتقاء کیفی قصد قربت و اصلاح و تهذیب نفس، این مقانه برای تبیین مهم‌ترین اهداف تعلیمی و تربیتی قرآن

کریم از کلام نورانی قرآن‌های ناطق حضرات معصومین علیهم‌السلام بهره برده و به طرح آنها پرداخته است.

### کلیدواژه‌ها:

قرآن کریم، هدف غایی تعلیم و تربیت قرآنی، اهداف تربیت قرآنی

### مقدمه

در تعلیم و تربیت هدف را می‌توان (وضع نهایی و مطلوبی به حساب آورد که به‌طور آگاهانه، سودمند تشخیص داده شده و برای تحقق آن فعالیت‌های مناسب تعلیمی و تربیتی انجام می‌پذیرد)<sup>۱</sup> اطلاع از اهداف تربیتی می‌تواند در هدایت اقدامات تربیتی، ایجاد انگیزه در متربیان، و تدارک معیاری برای ارزیابی آن اقدامات، سودمند باشد.

البته هدف‌داری، خاص انسان نیست و تمامی پدیده‌های جهان خلقت در مسیر خود هدفی را پیگیری می‌کنند که این هدف از سوی حضرت حق جل و علا به منظور ترقی و رشد و تکامل در نهاد پدیده‌ها قرار داده شده است. انسان به عنوان اشرف مخلوقات خداوند نیز از این هدف‌مندی به‌طور عالی برخوردار است، هدف غایی خلقت انسان، رسیدن به مقام والای خلافت الهی و بندگی خداست و برای رسیدن به این هدف، باید مسیر تربیت را طی کند از مهم‌ترین اموری که انسان را در دست‌یابی به این هدف غایی یاری می‌رساند عبارت از (رشد و کمال، پرورش قوه تعقل و استدلال، پرورش روح جمعی و احساس مسئولیت و ارتقاء کیفی قصد قربت و اصلاح و تهذیب نفس است) که آیات و حیاتی قرآن کریم به ترسیم این اهداف و حضرات معصومین علیهم‌السلام به تبیین آن پرداخته‌اند.

### قرآن کریم (کتاب تعلیم و تربیت)

قرآن کریم یک گنجینه گران‌بها از اصول جاودانه و همیشگی تعلیم و تربیت است که اهداف تعلیم و تربیت را پیش روی همه عالمیان مطرح و با زیبایی هر چه تمام‌تر همه را دعوت به مسیر تعلیمی و تربیتی خود نموده و اولیاء و انبیاء را مربیان تربیتی نظام تربیتی خود دانسته است.

حضرت امام خمینی (ره) ابعاد تعلیمی و تربیتی این کتاب همیشه حی را این‌گونه ذکر فرموده: «قرآن کتاب انسان‌سازی است و ما را به مقاصد عالی‌های که در باطن ذاتمان توجه به او هست و خودمان نمی‌دانیم هدایت می‌کند. قرآن کتاب انسان متحرک است، کتاب آدم است و کتابی است که آدمی که باید از این جا تا آخر دنیا و تا آخر مراتب حرکت بکند را راه می‌برد»<sup>۲</sup>



«تمام کتب آسمانی که بر انبیاء نازل شده است، برای این موجودی که اگر سر خود باشد، خطرناک‌ترین موجودات عالم است باید تحت تربیت و تعلیم الهی واقع بشود و بهترین موجودات و افضل تمام خلائق بشود. آن قدر که این انسان، این حیوان دو پا... محتاج به تربیت است هیچ حیوانی محتاج نیست».<sup>۳</sup>

(اساس عالم بر تربیت انسان است و انبیاء و اولیاء برای تربیت انسان آمده‌اند، هیچ‌کس نمی‌تواند ادعا کند که من دیگر احتیاجی ندارم به این‌که تعلیم و تربیت بشود، رسول خدا هم تا آخر احتیاج داشت، منتها احتیاج او را خدا رفع می‌کرد. ما همه احتیاج داریم).<sup>۴</sup>

امور تربیتی در رأس مسائل اسلام است. تربیت باید قرآنی باشد و قرآن غنی‌ترین کتاب‌های عالم است در تعلیم و تربیت. منتهی متخصص لازم دارد<sup>۵</sup> پیغمبر آمده مردم را تزکیه کند، پرورش بدهد، نفوس را مهیا کند و بعد یُعَلِّمَهُمُ الْکِتَابَ وَالْحِکْمَةَ.<sup>۶</sup>

### هدف غایی تعلیم و تربیت قرآنی

در سلسله مراتب اهداف تعمیمی و تربیتی، هدف غایی به منزله‌ی قله رفیعی است که اگر چه رسیدن به آن با توجه به بُعد مسافت و موانع سر راه بعید به نظر آید اما در عالم خیال قابل تصور است و اگر از قوه تصویری نیرومندی برخوردار باشیم مشوق عمل و اقدام است در مقابل اهداف کلی به منزله منازل است که گذشتن از آنها شرط لازم و وصول به مقصد نهایی است در عین حال برای رسیدن به هر یک از این منازل باید برنامه‌ریزی کرد، به تعیین اولویت‌ها، تجهیز امکانات، تهیه وسایل و تدارک زاد و توشه راه پرداخت و بالاخره هدف‌های جزئی (آموزشی) گام‌هایی است که با واقع‌بینی تمام برای قطع هر یک از این منازل برداشته می‌شود.

در مورد اهداف تعمیمی، تربیت با توجه به آیات قرآن دسته‌بندی‌های مختلفی مطرح شده است که به عنوان نمونه به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

علی شریعتمداری در کتاب خود، اهداف تعلیم و تربیت اسلامی را اینچنین برشمرده است: ۷:

- ۱- دست‌یابی به تقوا ۲- تعلیم حکمت ۳- پرورش روح عدالت‌خواهی ۴- تکامل انسان ۵- پرستش خداوند ۶- برادری و همکاری ۷- پرورش نیروی تفکر و قدرت عقلانی ۸- پرورش روح اجتماعی

سید علی اکبر حسینی در کتاب خود اهداف تربیتی را بدین ترتیب ذکر نموده: ۸:

- ۱- حرکت به سوی کمال ۲- عنایت به مسائل و خدمت به مخلوق ۳- برخورد با جهان طبیعت و

بهره‌برداری از آن.

سیداحمد احمدی در کتابش برای تربیت، هشت هدف را بیان کرده است: ۹:

- ۱- پرورش ابعاد وجودی و شخصیتی انسان ۲- حرکت و سوق دادن انسان به سوی خدا ۳- آگاه کردن انسان از پایگاه خویش در جهان ۴- پرورش قدرت تشخیص از طریق مشاهده، تجربه، تفکر و تعلیم ۵- پرورش روح حقیقت‌جویی ۶- پرورش افرادی مؤمن، متقی و عامل به خوبی‌ها ۷- ایجاد روح برادری، برابری، تعاون، احسان و ایثار ۸- پرورش روحیه‌ی تلاش، کوشش و مبارزه‌ی با فقر.

بختیار شعبانی در مقاله پژوهشی خود اهداف تربیتی را اینچنین ذکر نموده است:

- ۱- تقویت روحیه‌ی حقیقت‌جویی ۲- تقویت روحیه‌ی کمال‌جویی و رشد ۳- تقویت قدرت اراده و تصمیم‌گیری ۴- تقویت قوه عاقله ۵- تقویت روحیه‌ی اعتقادی و عبادی.<sup>۱۰</sup>  
خسرو باقری در کتاب خود اهداف تربیت را چنین دسته‌بندی نموده است:<sup>۱۱</sup>

اهداف غایی و اهداف واسطی، اهداف غایی عبارتند از: ۱- هدایت و رشد ۲- طهارت و حیات طیبه ۳- تقوی ۴- قرب و رضوان الهی ۵- عبادت و عبودیت و پنجمین هدف را براساس آیات نوزانی قرآن به عنوان هدف غایی از خلقت انسان برشمرده است و سایر اهداف غایی مطرح شده را تنها شئونی از همین هدف غایی (عبودیت) می‌داند.

نگاهی اجمالی به دسته‌بندی‌های ذکر شده روشن می‌سازد که (هدایت و رشد) به عنوان هدف غایی فرایند تربیت در همه‌ی آنها به نوعی مورد توجه واقع شده و دیگر اهداف را نیز می‌توان به عنوان اهداف کلی یا واسطی مورد توجه قرار داد. لازم به ذکر است که رشد و کمال هدفی است که در همه‌ی مکاتب تربیتی به گونه‌ای مورد توجه و عنایت بوده است.

با توجه به دسته‌بندی‌های ذکر شده ابتدا هدف غایی تربیت یعنی دست‌یابی به رشد و کمال را مورد بحث و بررسی قرار داده و آنگاه به سایر اهداف به صورت مختصر پرداخته شده است.

### ۱۵- رشد و کمال

از مهم‌ترین و عمده‌ترین اهداف تربیت قرآنی، رسانیدن انسان به مرحله و جایگاهی است که شایستگی رسیدن به آن را دارد و حضرت حق، تبارک و تعالی امکان بالقوه رسیدن به این مقام را در وجود بندگان خویش قرار داده است. هدایت، راهنمایی، دستگیری و کمال بخشی انسان جریانی را تحت عنوان رشد و کمال به صورت همیشگی برای او رقم می‌زند.

واژه رشد در قرآن کریم به معنی هدایت شدن به راه درست و صحیح و آنچه مدنظر خدای متعال بوده آمده است.

اگرچه در برخی موارد نیز معنی رشد عقلی و قوه تمیز خوب از بد اراده شده است. در سوره‌ی مبارکه‌ی کهف آمده است: ﴿رَبَّنَا آتِنَا مِن لَّدُنكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا﴾<sup>۱۲</sup> بنابراین آیه اصحاب کهف را خداوند غیب نخب خاص خدا و رشد و هدایت کامل نموده‌اند. آنان از خداوند خواسته‌اند که شریعت کامل را برای آنان فراهم آورد و خداوند بهترین هدایت کننده و رشد دهنده بندگان می‌باشد ﴿مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَنْ يُضِلِلْ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ وَلِيًّا مُّرْشِدًا﴾<sup>۱۳</sup> کلمه رشد در آیه‌ی ﴿وَيُؤْمِرُ بِئِىْ عُقُلِهِمْ لِيَرْشُدُوا﴾<sup>۱۴</sup> به معنای سعادت و دست‌یابی انسان به آنچه که کمال اوست به‌کاررفته است و در آیه‌ی ﴿فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَئِكَ تَحَرُّوْا رَشَدًا﴾<sup>۱۵</sup> اسلام به‌عنوان راه ثواب و رشد دهنده و کمال بخش مؤمنان مطرح گردیده است.

امام رضا علیه السلام فرموده: شریعت مسلمان بودن، مراقبت دائمی نفس و رسیدگی به حساب اعمال خویش است به گونه‌ی که هر لحظه جزئی از مسیر رشد را کشف کرده. قبل از فوت وقت دوباره خویش را به مسیر رشد و کمال برگرداند و در کلام دیگری حضرتش می‌فرماید: آن‌کس که همه روزه به حساب خویش رسیدگی نکند زمان نیست.<sup>۱۶</sup>

امام علی علیه السلام فرموده:

هرگز روش رشد و تکامل را نمی‌شناسید، تا افرادی را که این روش را ترک کرده‌اند بشناسید.<sup>۱۷</sup>

لذا می‌توان چنین نتیجه گرفت که رشد و کمال، جریان‌ی پویا، مستمر و مداوم است و انسان در هر روز و هر لحظه باید به سیر صعودی و کمالی خویش ادامه بدهد و انجام این مهم با شناخت نقاط قوت و ضعف و تقویت نقاط قوت و جبران از طریق ارزیابی‌های مکرر میسر می‌باشد.

## ۲- پرورش قوه‌ی تعقل

قرآن کریم همگن را دعوت به تعقل و تفکر و اندیشه‌ورزی نموده و برنامه‌های تعلیمی و تربیتی خود را برای احیاء عقل و بیدار نمودن و تحرک آن و فعانیت صحیح آن ارائه نموده است. قرآن کسانی که اهل تعقل و اندیشه‌ورزی نیستند را به شدت مذمت نموده است. قرآن تأکید و تصریح بر موضوع عقل و به‌کارگیری آن به‌عنوان ابزار رشد و معرفت نموده و یکی از اهداف اصلی نظام تربیتی خود را پرورش قوه تعقل و تفکر و استنباط صحیح اعلام داشته است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام (عقل) را موهبتی خدادادی که موجب رسیدن انسان به کمال و قبولی طاعات و عبادات را فراهم

آورده و انسان را به رشد و سعادت می‌رساند دانسته‌اند و از همگان خواسته‌اند تا با تکیه بر این موهبت الهی جهت رشد و کمال خود حداکثر استفاده را از آن ببرند.

رسول الله صلی الله علیه و آله در مورد اهمیت عقل و فضیلت تعقل فرموده‌اند:

«خدا به بندگان چیزی بهتر از عقل نبخشیده، زیرا خوابیدن عاقل از شب بیداری جاهل بهتر است و در منزل بودن عاقل از حج و جهاد جاهل بهتر است و خدا پیغمبر و رسول را جز برای تکمیل عقل مبعوث نفرموده تا عقل افراد را کامل کند و عقل همه‌ی پیغمبران برتر از تمام عقول امت می‌باشد و آنچه پیغمبر در خاطر دارد از اجتهاد مجتهدین بالاتر است و تا بنده‌ای واجبات را به عقل خود درنیابد آنها را انجام نداده است. همه‌ی عابدان در فضیلت عبادتشان به پای عاقل نرسند. عقلا همان صاحبان خردند که خداوند فرموده: «تنها صاحبان خرد اندرز می‌گیرند.»<sup>۱۸</sup>

مولای متقیان حضرت علی علیه السلام در بیان دلایل بعثت انبیاء پس از ذکر بیداری فطرت انسان‌ها و یادآوری نعمت‌ها از برانگیختن عقل پنهان شده نوع بشر سخن گفته و فرموده:

«خداوند پیامبرانی را بی در پی فرستاد تا عهد و پیمان خدا را که در فطرت آنها بود بطلبند و به نعمت فراموش شده یادآوری کنند و از راه تبلیغ با ایشان گفتگو کنند و عقل‌های آنها را برانگیزند و به‌کار اندازند و آیات قدرت را به ایشان نشان دهند.»<sup>۱۹</sup>

امام باقر علیه السلام ملاک کیفیت و پاداش اعمال افراد را به میزان بهره‌گیری از قوه تعقل دانسته‌اند و فرموده‌اند: «چون خداوند عقل را آفرید از او باز پرسى کرده و به او گفت پیش‌آی: پیش آمد. گفت بازگرد و باز گشت. فرمود: به عزت و جلالم سوگند، مخلوقی که پیشم محبوب‌تر باشد نیافریدم و تو را تنها به کسانی که دوستشان دارم به‌طور کامل می‌دهم و همانا امر و نهی و کیفر و پاداشم متوجه توست.»<sup>۲۰</sup>

از دید امام علی علیه السلام:

قوه تعقل، قوه‌ای است که ملاک سعادت و شقاوت انسان است و وجه تمیز انسان از حیوان و فرشته است.<sup>۲۱</sup> امام صادق علیه السلام عقل را وسیله پرستش خداوند و کسب بهشت و رضوان الهی دانسته‌اند<sup>۲۲</sup> و همچنین فرموده‌اند: عقل پایه و اساس شخصیت انسان تلقی می‌گردد و هوش و فهم و حافظه و دانش از عقل سرچشمه می‌گیرد، عقل، انسان را کامل می‌کند و رهنما و بیناکننده و کلید کار اوست و چون عقل به‌نور خدایی مؤید باشد، دانشمند و حافظ و متذکر و باهوش و فهمیده باشد و خیرخواه و بدخواه خود را بشناسد.<sup>۲۳</sup>

امام رضا علیه السلام فرموده‌اند:

دوست هر انسانی عقل اوست و دشمن او جهلش می‌باشد<sup>۲۴</sup> از دیدگاه حضرات معصومین علیهم السلام دینداری و عبادت بدون عقل هیچ ارزشی ندارد و ملاک ارزشمندی اعتقادات دینی و عبادات

مذهبی تعقل، تفکر و سینه‌زوری فرد مؤمن می‌باشد.

رسول الله ﷺ در ک معقول و بی‌ورش قوه تعقل را بر رنج در عبادت ترجیح می‌دادند و معتقد بودند رشد عقلایی و بی‌ورش قوه تعقل سبب پیشی گرفتن افراد عاقل نسبت به دیگران می‌شود و به همین سبب پرورش این نعمت الهی یکی از اهداف تعیین و تربیت قرآنی است.

## ۲۵- پرورش روح جنتی و احساس مسئولیت

از آنجا که انسان مخاطب قرآن حضرات معصومین علیهم‌السلام است که علاوه بر هویت فردی و شخصی دارای هویت و رسالت جمعی است و بخشی از شخصیت خویش را از طریق تعامل با سایر انسان‌ها و برادران و جوهران دینی خویش در جامعه کسب می‌کند، پرورش روح جمعی و احساس مسئولیت نسبت به خود و دیگران و تقویت روحیه‌ی دیگر خواهی یکی از اهداف تربیت قرآنی به حساب آمده و آن را از هیبتی رسین به رشد و کمال منظور داشته است.

آیات متعدد قرآن کریم و روایات حضرات معصومین علیهم‌السلام تأکید بر پرورش روح جمعی و احساس مسئولیت در قبال دیگران دارد. در آیات و روایات به منکات و فضائل اخلاقی همچون حیاء، حُسن خلق، عفو، کظم غیظ، حمله، صبر، مدارا و سازگاری، نرمی و ملاحظت، تواضع، انصاف و عدالت، صلح و رحم، اصلاح بین مردم و... که این موارد و دهها مورد دیگر بیانگر توجه قرآن و حضرات معصومین علیهم‌السلام به پرورش روح جمعی و احساس مسئولیت در مؤمنان است. امام صادق علیه‌السلام فرموده است:

«هیچ فرزندی متولد نمی‌شود مگر اینکه بر فضیلت توحید است، بعداً والدین یا فضای جامعه او را یهودی، نصرانی یا مجوسی می‌کنند.»<sup>۲۵</sup>

رسول الله ﷺ در مورد ضرورت حساس مسئولیت فرد در مقابل جامعه اسلامی فرموده‌اند:

«هر که صبح کند و به امور مسلمین همت نکند مسلمان نیست» و فرموده‌اند: عابدترین مردم کسی است که نسبت به همه‌ی مرده جامعه اسلامی (مسلمین) خیرخواه‌تر و پاکدل‌تر باشد.»<sup>۲۶</sup>

این تلاش‌های تربیتی در ارتباط با تقویت روحیه جمعی و احساس مسئولیت و پرداختن به وضع مشکلات برادران دینی به عنوان عبادت و کسب رضایت خداوند و به منزله راهکار مؤثری برای رشد و کمال و سعادت انسان بوده است.

امام صادق علیه‌السلام فرموده‌اند:

خدمت به خلق خدا و احساس تکلیف در مقابل رفع مشکلات آنها را در زمره بهترین اعمال دانسته

و جامعه اسلامی را به مثابه پیکره و یک بدن که افراد جامعه اعضای این بدن تلقی می‌گردند. منظور نموده به گونه‌ای که ناراحتی و رنج یکی از اعضا موجب اختلال و ناراحتی سایر اعضا را فراهم می‌کند.<sup>۲۷</sup>

حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرموده‌اند:

محبوب‌ترین مردم نزد خدا کسی است که سودش به مردم از دیگران بیشتر است.<sup>۲۸</sup>

امام باقر علیه‌السلام فرموده‌اند:

کمک به مستمندان و دستگیری از آنان و گذشت و اغماض از خطایای دیگران را از ویژگی‌های ضروری شیعیان دانسته‌اند.<sup>۲۹</sup>

این چنین ملکات اخلاقی در افراد راه رسیدن به رشد و کمال را هموار می‌سازد و همچنین دوام و استمرار حیات طیبه جامعه اسلامی را تضمین می‌نماید.

## ۴- ارتقاء کیفی قصد قربت و اصلاح (نیت خاص)

قرآن کریم می‌فرماید:

﴿قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ﴾

بگو هر کس طبق طریقه و نیت خویش عمل می‌کند.<sup>۳۰</sup>

نیت و قصد قربت نقش کلیدی در پذیرش اعمال دارد زیرا ﴿لَا عَمَلَ إِلَّا بِنِيَّةٍ﴾<sup>۳۱</sup> یعنی پاداش در مقابل خلوص نیت است. نیت عبارت است از رابطه عمل با روح، زیرا عمل ناشی از طلب روح است، نیت پاک، خود بالاتر از عمل صالح و بالاترین عمل است ﴿أَفْضَلُ الْعَمَلِ النِّيَّةُ الصَّادِقَةُ﴾<sup>۳۲</sup> نیت صالح موجب رشد و کمال و سعادت انسان می‌شود و نیت ناپسند سبب انحطاط و شقاوت او می‌گردد. نیت مهم‌تر از خود عمل است. چون نیت، روح را که حقیقت آدمی است تحت تأثیر قرار می‌دهد، در حالی که عمل تنها روی جسم و بدن اثر می‌گذارد و اساساً چیزی جز نیت نمی‌تواند سازنده حقیقت برتر انسان (یعنی روح او) باشد.<sup>۳۳</sup>

در آیات قرآن کریم و روایات حضرات معصومین علیهم‌السلام بر ایجاد نیت و ارادی کردن افعال و ارتقاء سطح کیفی نیت و قصد قربت از روی علم و تصمیم آگاهانه تأکید شده و از انجام دادن امور و کارهای تکراری و عادت‌گونه که بدون تعمق و تأمل و قصد قربت باشد پرهیز شده‌ایم.

در تربیت قرآنی هر کاری بر اساس نیت فاعل ارزشمند است و چون انسان موجودی هوشمند و جهت‌دار است و هیچ فعل و کاری از انسان بدون هدف و نیتی صادر و دنبال نمی‌شود. لذا توجه دادن

انسان مؤمن به اینکه بری مسکه کردن نیت حتی در اعمال کوچک مثل خوردن و خوابیدن قصد قربت کند تا بتدریج در یک سیر تربیتی و با تمرینات اصلاحی و تهذیب نفس و حاکم شدن بر خود به ارتقاء کیفی سطح نیت دست یابد مهم تلقی شده است.

امام علی علیه السلام عمر را نتیجه و محصول نیت دانسته فرموده اند:

❦ الأعمال ثم النیت ❦ ۳۵

و امام صادق علیه السلام فرموده است:

به دست آوردن پاداش و یافتن در جهنم و دوزخ و عذاب الهی وابسته به نیت فرد می باشد. ۳۶

همچنین امام صادق علیه السلام فرموده است:

بنده مؤمن فقیر گوید: پروردگارا! من مال و ثروت روزی کن تا از آن احسان کنم و در راه های خیر چنین و چنان کنم مسجد را، راه گسکان و ضعفا ضعام دهم و از بینوایان دستگیری کنم و چون خدای عز و جل بمان نیتش صادق است و راست می گوید برای او همان اجر و پاداش را می نویسد که اگر انجام می دهد. می باشد. همان خدا وسعت بخش و کریم است. ۳۷

انسان برای اعمال و رفتار خود گنجه ها و نیات مختلفی دارد و این دقیقاً همان چیزی است که توانایی و ظرفیت بالقوه انسان را در بیمودن درجات و ارزش بخشیدن به عمل بالا می برد و او را تا سرحد یک موجود بی نهایت متصف به اسماء و صفات الهی رشد می دهد و یا هر چه بیشتر در درکات پست فرو می برد و موجب تباہی ابدی می گردد.

در کلام ولی اعظم خدا و نسل نبی آن تهنه. حضرت علی علیه السلام سیمای زیبایی نیت نیکو این گونه تجلی یافته است: «تکوین نیت زیبایی درون هاست و بهترین اندوخته و علامت پاک زندگی و سبب رسیدن به آرزوها و دست یابی به اهداف و موجب پاداش اخروی و زیاد شدن روزی و باعث زندگی خوش و حسب دوستی دیگران و وسیله استجاب دعا در موقع خطر است». ۳۸

در سیره قرآنی رسول اعظم صلی الله علیه و آله حضرت معصومین علیهم السلام که مربی و الگوی امت بوده و هستند همواره مردم را به داشتن نیت صالح ارشاد و مردم را به ارتقاء کیفی سطح نیت خود تشویق و ترغیب نموده و آن را موجب رشد و کمال و سعادت مندی انسان دانسته اند.

## ❦ ۵۴ - اصلاح و تهذیب نفس

قرآن کریم می فرماید:

❦ قد افلح من زکیها ❦ و دستکار و سعادت مند شد کسی که خود را تهذیب و تزکیه نمود. ۳۹

آیات متعدد قرآن کریم و روایات حضرات معصومین علیهم السلام سفارش و تأکید فراوان بر اصلاح نفس و پرهیز از دنیاگرایی و معاصی و ترک شهوات و تمسک به تقوی و ورع داشته اند.

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله اصلاح نفس و مبارزه با آفات اصلاح نفس را بزرگترین مبارزه برای مؤمن دانسته و از آن به عنوان (جهاد اکبر) یاد می کنند و هدف مندی بعثت خویش را ظهور مکارم و ملکات اخلاقی و تربیتی در مردم قلمداد نموده اند. ۴۰

اصلاح نفس، تزکیه و تهذیب نفس یکی از پله های اساسی و مهم رشد و کمال انسان است. امام صادق علیه السلام مبارزه در راه اصلاح نفس را تلاش دائمی و پایان ناپذیر برای مؤمنان می دانند که هیچ گاه تمام شدنی نیست و هر زمان که انسان فکر کند از شر نفس اماره خلاص شده در لبه ی پرتگاه سقوط قرار گرفته است ۴۱ و لذا باید همواره این مسئولیت را بر دوش خویش احساس بکند و به اصلاح نفس همت بگمارد ایشان فرموده اند: بندگان خدا بدانید که مؤمن شب و روز نسبت به خودش تردید دارد و همیشه خود را ناقص می داند و به دنبال تکمیل کردن خویش می رود و در حالی که می بینند مردم دنیا مرگ بدن را خیلی مهم تلقی می کنند آنها برای مرگ قلب ها بیشتر اهمیت قائل هستند. لذا افراد مؤمن باید همواره به فکر اصلاح و بهبود نفس خویش باشد و این یکی از اهداف نظام تربیتی اسلام است و باید از ابزارهای مختلف برای رسیدن به این هدف سود جوید.

امام علی علیه السلام بر نقش مربی و زمامدار جامعه در فضا سازی تربیتی تأکید نموده و ضرورت خودسازی و اصلاح نفس را به مربیان و مبلغان جامعه چنین گوشزد می فرماید:

«کسی که می خواهد خود را پیشوای مردم معرفی کند باید قبل از اینکه به تعلیم دیگران بپردازد خود را تعلیم دهد»

چنین فردی قبل از اینکه با زبان، مردم را تعلیم دهد، باید با اخلاق و روش خود آنان را هدایت کند کسی که خود را تعلیم دهد و تربیت کند از نظر احترام از مربی و تربیت کننده مردم سزاوارتر است. ۴۲

## ❦ مبارزه با هواهای نفسانی

قرآن کریم می فرماید:

❦ ان النفس لامارة بالسوء الا ما رحم ربی ❦ ۴۳

نفس اماره شما را به گناه زیاد و بزرگ امر می کند مگر خداوند رحم و لطف کند. پاک کردن درون از صفات زشت و ناپسند و رهایی از آنها یکی از اهداف والای تربیتی است.

نفس اماره و امیال نفسانی همواره یکی از موانع رسیدن انسان به کمال و رشد بوده است. لذا راهایی،

از اینها نیز در زمره اهداف تربیتی است.

پیامبر اعظم ﷺ فرموده‌اند:

(قدرتمند واقعی کسی است که بتواند بر این نیروهای درونی غالب شود).<sup>۴۴</sup>

مبارزه با امیال درونی کار ساده‌ای نیست بلکه قدرت ایمانی و تربیتی می‌خواهد تا انسان بر نفس سرکش و متجاوز خویش پیروز شود.

حضرت علی رضی الله عنه شرط رسیدن به رشد و کمال را هائی نفس از شهوت‌ها و میل‌های نفسانی می‌داند و می‌فرماید: کسی که خواهش‌های نفس خویش را بر نیابرد به رشد می‌رسد.<sup>۴۵</sup>

حضرت امام باقر رضی الله عنه فرموده‌اند:

هیچ فضیلتی به قدر جهاد، ارزش معنوی ندارد و هیچ جهادی مانند مبارزه در راه غلبه بر هوای نفس نیست.<sup>۴۶</sup>

### نتیجه‌گیری:

توجه به اهداف تعلیمی و تربیتی قرآن کریم از منظر حضرات معصومین علیهم‌السلام و بررسی اهداف غایی واسطی و آموزشی و نقش هر کدام در سعادت انسان ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

در نظام تربیت قرآنی، دست‌یابی به رشد و کمال، هدف غایی تلقی می‌شود و برای رسیدن به این هدف غایی تعدادی هدف واسطی همچون پرورش قوه تعقل و تفکر و اندیشه‌ورزی، پرورش روح جمعی و احساس مسئولیت در برابر مسائل اجتماعی و ارتقاء کیفی سطح نیت و تهذیب و تزکیه نفس و جهاد با هواهای نفسانی وجود دارد که با تحقق هر کدام از این اهداف آدمی گامی مؤثر به سوی هدف غایی برمی‌دارد و به رشد و کمال معنوی و قرب الهی نائل می‌شود. البته رشد و کمال جریانی پویا، مستمر و مداوم است و انسان در هر روز و هر لحظه باید به سیر صعودی و کمال خویش ادامه بدهد و انجام این مهم با شناخت نقاط قوت و ضعف و تقویت نقاط قوت و جبران ضعف از طریق ارزیابی‌های مکرر میسر می‌باشد.

### منابع و پي نوشت‌ها:

۱. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۵.

۲. مجموعه کوشش، کلمات قصار امام خمینی (ره)، صص ۴۳ و ۴۴.

۳. همان، ص ۱۸۳.

۴. همان، ص ۱۸۴.

۵. انتشارات امیرکبیر - ۶۲، در جستجوی راه از کلام امام - دفتر ۲۱، ص ۲۵۲.

۶. اربعین حدیث، حدیث ۱۵، ص ۲۳۷؛ صحیفه نور، ج ۱۴، صص ۱۱۳ و ۱۱۲.

۷. شریعتمداری - علی، تعلیم و تربیت اسلامی، تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۳۶۰.

۸. حسینی - سیدعلی اکبر، سیری اجمالی در تاریخ تعلیم و تربیت اسلامی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۲.

۹. احمدی، سیداحمد، اصول و روش‌های تربیت در اسلام، واحد انتشارات مرکزی جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۸.

۱۰. باقری - خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ص ۶۱، تهران، انتشارات مدرسه، ۱۳۸۰.

۱۱. مجموعه مقالات کنگره، بررسی اندیشه و آثار تربیتی حضرت امام خمینی (ره)، ص ۲۵.

۱۲. سوره‌ی کهف، آیه‌ی ۱۰.

۱۳. همان، آیه‌ی ۱۷.

۱۴. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۸۶.

۱۵. سوره جن، آیه‌ی ۱۴.

۱۶. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۴۵۳.

۱۷. فیض الاسلام، ۵۱، ترجمه شرح نهج البلاغه، ج ۳، ص ۴۴۱.

۱۸. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۱۲.

۱۹. دشتی، ۷۹، ترجمه و شرح نهج البلاغه، ص ۳۸.

۲۰. نوری (محدث)، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۰۲.

۲۱. حر عاملی (شیخ) وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۶۴.

۲۲. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۱۱.

۲۳. همان، ج ۱، ص ۲۱۵.

۲۴. همان، ج ۱، ص ۱۱.

۲۵. حر عاملی (شیخ) وسائل الشیعه، ج ۹۶، ص ۱۱.

۲۶. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۱۹۴.

۲۷. همان، ج ۲، ص ۱۶۶.

۲۸. همان، ج ۲، ص ۱۶۵.